Archive of SID



# الگوی اخلاق حرفه‌ای در تدریس بر اساس روش حضرت خضر (ع) در قرآن کریم

امیرحسین بانکی پورفرد[1]

زهرا محققیان[2]

## چکیده

اخلاق حرفه‌ای، موضوعی است که امروزه بسیار مورد توجه قرار گرفته است، به طوری که اکثر حرفه‌ها، از جمله حرفه تدریس نیز، با درک ضرورت و اهمیت آن و نیز توجه به جایگاه والای معنوی این حرفه، نیازمند تدوین منشور اخلاقی حرفه‌ای مخصوص به خود هستند.

در همین راستا پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که با توجه جامعیت قرآن کریم (نحل/۸۹) آیا می‌توان با تدبر در سلوک رفتاری آموزگاران الهی، به استخراج الگویی الهی و اخلاقمند در امر آموزش و تعلیم پرداخت؟ در منشور اخلاقی معلمان الهی، مهم‌ترین الزامات و تکالیف اخلاقی حرفه تدریس کدامند؟

نتایج پژوهش حاکی از آن است که در الگوی تدریس حضرت خضر(ع)، نکات فراوان و ظریفی مورد تأکید قرار گرفته که می‌توان از آن‌ها به عنوان الگویی جامع و الهی در امر تدریس بهره برد و در تدوین منشور اخلاق حرفه‌ای معلمان از آن‌ها استفاده کرد. مهم‌ترین این اصول اخلاقی عبارتند از: نیازسنجی شاگرد، استفاده از مثال‌های عینی نه ذهنی، ارزیابی در خلال تدریس، عدم سخت‌گیری و سایر موارد. توجه به هریک از این اصول، می‌تواند به معلمان در نیل به اهداف آموزش کمک بسیار مؤثری نماید و بشر را در بعد معرفتی به تکامل معنوی خویش رهنمون سازد.

---

۱- استادیار دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: z.mohaghegh89@yahoo.com

نوع مقاله: مروری تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۳/۳/۰۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۸/۲۵

www.SID.ir

Archive of SID



**واژگان کلیدی:**

اخلاق حرفه‌ای، فرایند یاددهی- یادگیری، معلم، شاگرد، قرآن، تدریس.

**مقدمه**

امروزه در میان اندیشمندان رشته های مختلف، روشن شده که آشنایی با اصول اخلاق حرفه ای و پای بندی به الزامات و تکالیف اخلاقی در یک حرفه، موجب ایجاد مزیت های راهبردی خواهد شد (قراملکی ، ۱۳۸۵ش.، ص ۱۳۷؛ دیوید، ۱۳۸۰ش.، ص۶۰) چرا که اخلاق حرفه ای، به منزله شاخه ای از دانش اخلاق کاربردی، به بررسی تکالیف اخلاقی در یک حرفه و مسائل اخلاقی آن پرداخته و از این طریق فرد را، با کشف مجموعه ای از مسئولیت ها و رابطه ها، در راستای ایفای صحیح حرفه خویش هدایت می‌نماید (قراملکی. ۱۳۸۵ش.، ص۱۱۰).

از دیگر سو امانوئل کانت در آغاز کتاب تعلیم و تربیت خویش گوشزد می‌کند که در حرفه تدریس و تعلیم، به منظور ایفای صحیح مسؤولیت‌ها و ارتقای کیفیت فرایند یاددهی- یادگیری، شیوه ارائه مطالب و بهره‌گیری از روش‌ها و الگوهای جامع و مؤثر، امری بسیار مهم، حیاتی و تعیین کننده است و در مقایسه بین کشورها، امروزه کشورهایی پیشرفته به حساب می‌آیند که افرادش متفکر و روشمند باشند. این مسأله، در دنیای معاصر به عنوان یک تئوری محکم، مورد تأیید اغلب صاحب نظران رشته تعلیم و تربیت است (خنیفر، ۱۳۸۵ش.، ص۱۳).

در این میان، نهضت تربیتی اسلام در عرصه تدریس و تعلیم (فرایند یاددهی- یادگیری)، به ساختن معلمانی لایق، متخلق و برخوردار از فضیلت اهتمام ورزیده است. از منظر تعالیم دینی، معلمی در نظام اسلام، منصبی الهی است و معلم عهده دار مسؤولیت‌های الهی و در پی برآوردن آن‌هاست. در چنین ساختاری، اخلاق فضیلت یعنی اخلاق معطوف به ارزش‌های والا، نقش کلیدی و



www.SID.ir

Archive of SID





محوری داشته و به عنوان آرمان این نهضت الهی، منشوری مقدس دارد که در آن، درک وظیفه، معلمی را منصب و امانتی الهی پنداشتن، نگران بندگان خدا بودن، معاشرت نیکو، صداقت، انتقادپذیری و... ابزار پاسخگویی است. همچنین برخورداری از خصلت‌های منفی همانند ریاست‌طلبی، دنیاگزینی، درک ننمودن فضیلت معنوی خدمت، بخل ورزی، فقدان انصاف و عدالت و... به عنوان موانع دستیابی به ارزش‌های مثبت اخلاقی، مانع شکوفایی و بالندگی فرایند یاددهی- یادگیری شده و از رونق معنوی آن می‌کاهند. اهمیتی که قرآن و منابع دینی، به عنوان راهنمایان اخلاقی بشر، برای دانش و یادگیری قائل هستند، ضرورت ارائه روش و استخراج متدی الهی برای آموزش و تدریس را به ذهن آدمی متبادر می‌سازد چرا که در بیان دین و مکتب قرآن، واژه تعلیم و آموزش، به نوعی از ابتدای خلقت انسان مطرح و عنوان شده است: (وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْماءَ كُلَّها ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلائِكَةِ فَقالَ أَنْبِئُوني بِأَسْماءِ هؤُلاءِ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ * قالُوا سُبْحانَكَ لا عِلْمَ لَنا إِلاَّ ما عَلَّمْتَنا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَليمُ الْحَكيم)(بقره/ ۳۲-۳۱). به همین دلیل سعی نوشتار بر آن است تا با تفحص در سلوک رفتاری یکی از معلمان الهی یعنی حضرت خضر (ع) و بهره‌مندی از روش تعلیمی و اصول اخلاق حرفه‌ای ایشان در امر تعلیم یک نبی اولوالعزم، یکی از موضوعات مطرح در جامعه یعنی اصول و الزامات اخلاقی در امر آموزش و فرایند یاددهی- یادگیری را دنبال نماید تا روشن شود که آیا می‌توان با توجه به الگوهای قرآنی و سیره رفتاری معلمان الهی، به استخراج الگویی جامع و اخلاقمند در امر آموزش و تعلیم راه یافت؟ با توجه به سلوک رفتاری خضر نبی (ع) در امر تعلیم حضرت موسی (ع)، مهم‌ترین الزامات اخلاقی در فرایند یاددهی- یادگیری کدامند؟

www.SID.ir

Archive of SID



در ادامه پس از تعریف مفاهیم و شرح اجمالی کلاس حضرت خضر(ع) در امر تعلیم حضرت موسی(ع)، اصول و معیارهای این آموزگار راستین الهی بررسی و تحلیل شده است. امید است پژوهش حاضر، راهگشای معلمان و سرآغاز پژوهش‌های متعدد پیرامون اتخاذ الزامات اخلاقی حرفه تدریس بر اساس تعالیم وحی باشد.

## ۱- مفهوم شناسی

الف) اخلاق: دانشمندان اخلاق این واژه را در معانی پرشماری به کار برده‌اند. رایج‌ترین معنای اصطلاحی اخلاق در میان دانشمندان اسلامی عبارت است از «صفات و ویژگی‌های پایدار در نفس که موجب می‌شوند کارهایی متناسب با آن صفات، به طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان صادر شود»(فیض کاشانی، بی‌تا، ص۹۵). اگر این حالت نفسانی به گونه‌ای باشد که کارهای زیبا و پسندیده از آن صادر شود، آن را اخلاق خوب یا فضیلت نامند و اگر افعال زشت و ناپسند از آن صادر گردد، آن را اخلاق بد یا رذیلت گویند (شریفی، ۱۳۹۱ش.، ص ۲۶).

ب)اخلاق کاربردی: با بررسی میراث کهن و ارزشمند دانشمندان و فلاسفه اسلامی به آثار ارزشمندی برمی‌خوریم که به بررسی اخلاق و آداب در حوزه‌ی خاص پرداخته‌اند. عناوینی نظیر اخلاق حکمرانی، اخلاق دانشوری، فتوت نامه‌ها و کتاب‌هایی همانند «آداب المتعلمین» خواجه نصیر الدین طوسی و «منیه المرید في آداب المفید و المستفید» شهید ثانی در خصوص اخلاق دانشجویی و.... امروزه این گونه مطالعات را اخلاق کاربردی نامیده‌اند. برخی از اخلاق پژوهان نیز، معتقدند؛ اخلاق کاربردی عبارت است از کاربست مبانی و معیارهای ارز ش داوری اخلاقی،



www.SID.ir

Archive of SID



که مبانی ارزش داوری در فرا اخلاق و معیارهای ارزش داوری در اخلاق هنجاری مورد بحث قرار می‌گیرند[۱]. بنابراین اخلاق کاربردی اولاً متمرکز بر مسأله یا مسائل خاص است. ثانیاً، تمرکز آن بر حل تزاحمات اخلاقی است. ثالثاً، به دنبال استنباط احکام اخلاقی مسائل نوپدید است (شریفی، ۱۳۹۰ش.، ص۸۷).

در مغرب زمین اما این‌گونه مطالعات عمدتاً در دهه‌های اخیر رایج شده است. تأسیس رشته جدیدی در مطالعات اخلاقی به نام اخلاق کاربردی عمدتاً به هدف پاسخ‌گویی به مجموعه مسائل اخلاقی نوپدیدی که ناشی از پیشرفت‌های علم و فن‌آوری است پدید آمده و مسائل اخلاقی خاص هر یک از عرصه‌های اختصاصی زندگی مدرن و حل مؤثر معماها یا همان تعارضات اخلاقی که البته برخی از آن‌ها مانند سقط جنین دیر زمانی دامن گیر بشر بوده، صورت گرفته است (اسلامی، ۱۳۸۷ش.، ص۴۹).

ج) اخلاق حرفه‌ای: اخلاق حرفه‌ای گونه‌ای از اخلاق کاربردی است که به بررسی چالش‌های اخلاقی‌ای که توسط شاغلین فنون و حرفه‌ها نظیر هنرمندان، پزشکان، وکلا، کارگران و... تجربه می‌شوند، می‌پردازد و به دنبال مطالعه و فهم مبانی ارزش‌ها و الزامات حرفه‌ای و مسؤولیت اخلاقی فرد در مواجهه با دیگران است[۲].

در حقیقت اخلاق حرفه‌ای، به منزله شاخه‌ای از دانش اخلاق به بررسی تکالیف اخلاقی در یک حرفه و مسائل اخلاقی آن می‌پردازد (قراملکی، ۱۳۸۵ش.، ص ۱۳۷). چراکه توجه به این تکالیف، سبب می‌شود که هر فرد مجموعه‌ای از مسؤولیت‌ها و رابطه‌ها را کشف کند. به همین دلیل در هر صنفی، پایبندی به اصول اخلاقی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اساتید و برجستگان هر صنفی، ضمن تعلیم اصول کار خود به کارآموزان، بر رعایت اخلاق صنفی نیز



www.SID.ir

Archive of SID



تاکید فراوان دارند. اهمیت این امر تا بدان حدّ است که در برخی از رشته‌ها مانند پزشکی بر پایبندی به این اصول سوگند یاد می‌کنند. عدم پایبندی به این اصول نیز، در برخی اصناف، منتهی به مرگ انسان شده و در سایر حرفه‌ها باعث تضییع حقوق مادی و معنوی افراد می‌گردد (حسینی آبینه‌ئی، ۱۳۸۹ش.، ص ۱۹-۱۵). به همین دلیل روز به روز اعتقاد سازمان‌ها در این مورد راسخ‌تر می‌شود که ترویج اصول اخلاقی و تقویت فرهنگ معنوی موجب ایجاد مزیت‌های راهبردی خواهد شد(دیوید، ۱۳۸۰ش.، ص۱۶۰).

د) تدریس(فرایند یاددهی- یادگیری): از تدریس که امروزه با نام «فرایند یاددهی-یادگیری» تعبیر می‌شود، تعاریف متعددی ارائه شده است. برخی آن را بیان صریح معلم درباره آنچه باید یاد گرفته باشد، می‌دانند و گروهی دیگر، از آن با نام همورزی متقابلی یاد می‌کنند که بین معلم و شاگرد و محتوا در کلاس درس جریان دارد (شعبانی، ۱۳۸۵ش.، ص ۱۰۳). اما به طور کلی مقصود از تدریس یا فرایند یاددهی- یادگیری، به وجود آوردن تغییری مناسب در رفتار شاگرد است (دیویس، ترجمه نوروزی و امیرتیموری،۱۳۷۳ش.، ص۱۴۳).

از بررسی مجموعه تعاریف ارائه شده در موضوع فوق، می‌توان نتیجه گرفت که فرایند یاددهی- یادگیری یک فعالیت است، فعالیتی که آگاهانه و بر اساس هدف خاصی انجام می‌گیرد. به دیگر بیان این فرایند، یک سلسله فعالیت‌های مرتب، منظم، هدف‌دار و از پیش طراحی شده است که هدفش ایجاد شرایط مطلوب یادگیری است. طبق این تعریف، دو ویژگی خاص برای این فرآیند وجود دارد:

۱- وجود تعامل یا رابطه متقابل بین معلم و شاگرد

۲- هدفدار بودن فعالیت‌های معلم (شعبانی، ۱۳۸۵ش.، ص۱۰۵).



www.SID.ir

Archive of SID



در ادامه بیان می‌گردد که بر اساس تعالیم قرآن کریم، این ویژگی‌ها در الگوی تدریس حضرت خضر (ع) نیز، وجود دارند زیرا با توجه به منصب الهی حضرت خضر و نیز حکیمانه بودن انتخاب او از سوی خداوند، به عنوان معلم یک نبی اولوالعزم، می‌توان به هدفدار بودن تمامی فعالیت‌های او در جریان تعلیم حضرت موسی (ع) پی برده و از خلال کنش و واکنش‌های میان این دو پیامبر الهی، به تعاملات دو سویه میان استاد و شاگرد راه یافت.

بنابراین تدریس حضرت خضر (ع)، یک سلسله فعالیت‌های مرتب، منظم، هدف‌دار و از پیش طراحی شده است که در نهایت به هدف اساسی خویش یعنی ایجاد شرایط مطلوب یادگیری، منتهی می‌گردد. تشریح بیشتر این موضوع، در ادامه خواهد آمد.



## ۲- خضر و موسی در فرهنگ قرآن

(وَ كُلاًّ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْباءِ الرُّسُلِ ما نُثَبِّتُ بِهِ فُؤادَكَ وَ جاءَكَ في هذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرى لِلْمُؤْمِنينَ)(هود/۱۲۰) و هر یک از سرگذشت‌های پیامبران [خود] را که بر تو حکایت می‌کنیم، چیزی است که دلت را بدان استوار می‌گردانیم و در این‌ها حقیقت برای تو آمده و برای مؤمنان اندرز و تذکّری است.

داستان خضر و موسی در قرآن کریم، در سوره کهف آیات ۶۲ تا ۸۰ نقل شده که بنابر آنچه در روایات و نیز قرآن آمده: زمانی‌که خداوند تورات را به حضرت موسی(ع) داد، او به سوی بنی‌اسرائیل بازگشت و بر بالای منبر، آنچه را که خداوند به او داده بود به آن‌ها داد. پس در نفسش این مطلب داخل شد که خداوند مخلوقی داناتر از او نیافریده. در این هنگام خداوند بر جبرئیل وحی کرد که موسی را دریاب که نزدیک است هلاک و تباه شود. به او اعلام کن که در

www.SID.ir

Archive of SID



مجمع‌البحرین، مردی است که از تو داناتر است، پس به سوی او برو و از علم و دانش او یاد بگیر. لذا موسی بدان‌جا رفت و خود را بر او عرضه و درخواست متابعت نمود تا چیزی از علم و رشدی که خدایش ارزانی داشته به وی تعلیم دهد. اما خضر درخواست موسی را رد کرد و گفت چگونه می‌توانی چیزی را تحمل کنی که احاطه علمی بدان نداری؟ موسی قول داد که هر چه دید صبر کند و ان‌شاءاللّه در هیچ امری نافرمانیش نکند. خضر بنا گذاشت اگر از من پیروی کردی باید هیچ سؤالی نپرسی تا خودم تو را آگاه کنم. اما موسی در هر بار عهد خود را فراموش کرد و زبان به اعتراض گشود تا سرانجام در بار سوم، در پی اعتراض موسی، آن دو از یکدیگر جدا شدند (طباطبائی،۱۴۱۷ه.، ج۱۳، ص ۳۳۸). شرح جزئیات داستان در ادامه آمده است.

طبق (فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُون)(اعراف/۱۷۶) با تدبر و تفکر در داستان فوق می‌توان نکات بسیاری را از خلال گفتار و رفتار این معلم راستین الهی دریافت که در ادامه بیان گردیده‌اند.

## ۳- الگوی اخلاق حرفه‌ای در امر تدریس براساس روش تعلیمی حضرت خضر (ع) در قرآن کریم

معلم باید به هنگام تدریس و در خلال فرایند یاددهی- یادگیری خویش، مراحل خاص و معینی را طی کند. این مراحل، مشخص کننده فعالیت‌های آموزشی معلم و شاگرد در فرایند تدریس و در محدوده یک الگو خواهند بود. از این طریق می‌توان سریع‌تر، راحت‌تر و مؤثرتر به اهداف آموزشی تعلیم و تربیت راه یافت. از دیگر سو بدیهی است که افکار و اندیشه‌های معلمان هر جامعه، زیر ساخت‌های علمی آن جامعه را تشکیل می‌دهد و بناهای علمی و نتایج عملی و



www.SID.ir

Archive of SID



تجربی بسیاری به همراه دارد. از این رو اگر معلمان ارزش‌ها و صفات نیک اخلاقی را با مسائل آموزشی خود عجین سازند، زیر ساخت‌های علمی افراد، استوار شده و اثرات و نتایج مثبت و همیشگی را به دنبال خواهد داشت اما در غیر این‌صورت، نتایج زیانباری متوجه آن جامعه و بشریت خواهد شد. به همین منظور، در این قسمت، با استفاده از روش تعلیمی حضرت خضر (ع) در قرآن کریم، به عنوان یک الگوی جامع در فرایند یاددهی- یادگیری، به برخی از اصول اخلاقی و تکنیک‌های تدریس موفق که معلمان باید به کار گیرند اشاره می‌شود:



- نیاز سنجی: کشف نیاز شاگرد در حیطه تدریس و در خلال فرآیند یاددهی- یادگیری، یکی از اصولی است که معلم باید متناسب با آن، فعالیت‌های آموزشی خویش را عرضه کند. عدم توجه معلم به نیاز شاگرد و تدریس مطالب بطور پراکنده و گسیخته، موجب یادگیری سطحی شاگرد شده و فراموشی زودهنگام مطالب را به دنبال دارد؛ در حالی‌که اگر مفاهیم تازه با نیاز شاگرد متناسب باشند، یادگیری معنادار شده و به کار بستن آموخته‌ها آسان‌تر می‌گردد. حضرت خضر(ع) می‌دانست که موسی از علم ولایت و اسرار غیب آگاه نیست و همراهی با او برای انسانی که عالم نیست، دشوار است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش.، ج ۶، ص ۲۶۴) چرا که موسی(ع) صاحب شریعت بود و خضر صاحب طریقت، موسی مأمور به ظاهر احکام بود و خضر مأمور به اصلاح امور باطنی (گنابادی، ۱۴۰۸ه.، ج۲، ص۴۷۷). اما به هرحال موسی اعلم از خضر بود؛ منتها چون در دل او خطور کرده بود که واجد تمام علوم است و ممکن بود از این راه، غروری بر او عارض شود (قمی، ۱۳۶۷ش.، ج۲، ص۳۷)، خداوند خواست به او بفهماند که شخص به هر مرتبه‌ای از علم و دانش برسد باز واجد تمام علوم نیست (یوسف/۷۶) و باید در مقام

www.SID.ir

Archive of SID



طلب علم، از رنج مسافرت و تحمّل ذلّت و فروتنی مضایقه ننماید (مجلسی، مکرر، ج۱، ص۱۷۷). به همین دلیل موسی را سراغ خضر فرستاد. خضر نبی نیز، با فراست، نیاز موسی و میزان استطاعت او را در این مسیر دشوار فهمید، لذا با (انّ) ثقیله و (لن) که برای نفی ابدی می‌آورند مؤکداً گفت ای موسی تو هرگز استطاعت آن را نداری که بتوانی اسراری که من مشاهده می‌کنم، مشاهده کنی و اعتراضی نفرمائی (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش.، ج۷، ص۱۴۸؛ امین اصفهانی، ۱۳۶۱ش.، ج۸، ص۶۱). نکته حائز اهمیت آن است که خضر نفرمود که ظرفیت علم و آموختن مصالح و تأویل اعمال مرا نداری بلکه فقط فرمود به مصلحت و تأویل وظائف و اعمالی که به امر پروردگار انجام می‌دهم، توجه نداشته و اعتراض خواهی نمود زیرا بر حسب ظاهر، اموری عجیب و شگفت‌آور به نظر تو می‌رسند در حالی که اسراری مرموز دارند (إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ...)(کهف/۶۷)(طباطبائی، ۱۴۱۷ه.، ج۱۰، ص۴۱۶).

از سخن خضر(ع) چنین بر می‌آید که به خوبی نیاز موسی را شناخت. از این رو با بیان عدم استطاعت به عنوان نیاز اصلی موسی برای تعلیم، فعالیت‌های آموزشی خویش را متناسب با آن عرضه نمود تا موسی به تناسب نیاز خود، دیده‌ها و تجربیات خویش را با خضر تحلیل کند و به شناخت تعالیم جدید راه یابد. منظور از عدم استطاعت نیز، عدم آگاهی بر اسرار ولایت و امامت است.

به دیگر بیان خضر(ع) به دلیل داشتن علم لدنی (کهف/۶۵)، مأمور به تربیت و تکمیل موسی(ع) و رساندن او به مقام امامت (که مقامی مافوق مقام پیامبری اولوالعزم است) بود؛ همانند حضرت ابراهیم(ع) که در اواخر عمر خویش بدین مقام نائل شد (بقره/۱۲۴). از دیگر سو در حدیثی که هم از امام باقر(ع) و هم از حضرت فاطمه(س) آمده: (مثل الامام مثل الکعبه اذ تؤتی و لاتأتی)(بحرانی، ۱۳۷۸ش.، ص۴۱۲) امام به کعبه‌ای تشبیه شده که همه به سوی او می‌روند تا از او بهره گیرند، اما او به



www.SID.ir

Archive of SID



جانب کسی نمی‌رود. همچنین همان‌گونه که برای رفتن به کعبه، استطاعت شرط است (آل عمران/ ۹۷) برای رسیدن به امام نیز، باید مستطیع بود. کعبه ظاهری، استطاعت ظاهری می‌طلبد اما کعبه باطنی و رسیدن به مقام امامت و ولایت، استطاعت باطنی نیاز دارد. چیزی که خضر بر اثر رحمت ویژه خدا و علم لدنی (کهف/۶۵) از آن بهره‌مند بود اما موسی، فاقد آن بود (جوادی آملی، ۱۳۸۹ش.، ج۷، ص۱۴۸).

بنابراین خضر با کشف نیاز موسی، اولین گام خویش در فرایند یادهی-یادگیری را نیازسنجی شاگرد، معرفی کرد.

-**تعیین موضوع کلاس:** دومین گام برای داشتن یک تدریس موفق، بر طبق روش تعلیمی حضرت خضر(ع)، تعیین موضوع کلاس است. حضرت خضر(ع)، در مقدمه تدریس خویش با بیان عنصر صبر به عنوان موضوع کلی کلاس و از آن جا صبر در معیت و همراهی با استاد، به عنوان موضوع جزیی کلاس، به نظام آفرینی در ذهن موسی پرداخت تا مباحثی که در طول دوره به او ارائه می‌شود، ضمن تناسب با نیازهای قبلی او، پایه‌ای برای ارتباط مفاهیم بعدی با مفاهیم پیشین شده و از آن جا موسی بتواند تمام مباحث درس را به صورت یک ساخت منظم در ذهن خود جای دهد. لذا به موسی اعلام کرد: (إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا)(کهف/۶۷) یعنی عدم استطاعت تو، به دلیل عدم صبر توست به دلیل آنکه یکی از شرایط رسیدن به مقام امامت و آگاهی از اسرار ولایت، داشتن صبر و استقامت است (وجعَلْنا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنا لَمَّا صَبَرُوا)(سجده/۲۴)(طباطبائی، ۱۴۱۷ه.، ج۱۴، ص۳۰۴) که تو از آن بی‌بهره‌ای چرا که صبر بر اموری که با ظاهر شرع منطبق نیست ولی در باطن دارای مصلحت است، امری بسیار دشوار و سخت است (میبدی، ۱۳۷۱ش.، ج۵، ص۷۱۹). رشد علمی نیز بدون چنین صبری، میسّر



www.SID.ir

Archive of SID



نیست (قَالَ لَهُ مُوسیَ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلیَ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا* قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِیَ صَبْرًا* وَ كَيْفَ تَصْبِرِ عَلیَ مَا لَمْ تحِطْ بِهِ خُبرًا)(کهف/ ۶۸-۶۶). در ادامه حضرت خضر(ع) به جزیی کردن موضوع نیز پرداخت: صبر در اطاعت، تبعیت و همراهی (مَعِیَ صبرا)(کهف/ ۶۷) یعنی تابع محض بودن از معلم و استاد.

بدین ترتیب خضر نبی، با تعیین یک موضوع کلی (صبر) و نیز یک موضوع جزئی (صبر در اطاعت) مطالب را از کلی به جزیی مورد بررسی قرار داد. برای تفهیم بیشتر آن نیز، به طرح مسأله و ارائه مثال‌هایی مرتبط با آن، آن هم به گونه‌ای عینی و تجربی پرداخت که در ادامه شرح آن، خواهد آمد.

-**بیان مسأله**: طرح سؤال مناسب برای تبیین موضوع تدریس، یکی دیگر از اصول اخلاقی معلمان در فرایند یادهی- یادگیری است. بدین طریق شاگرد به اندیشیدن در مورد مطالب درسی تشویق شده و انگیزه لازم برای پیگیری فرآیند تدریس را پیدا می‌کند. حضرت خضر(ع) نیز، برای تفهیم بیشتر موضوع برای شاگرد خویش، با طرح یک مسأله، موضوع را برای او شفاف و مسأله را چنین طرح کرد: (و کیف تصبر علي ما لم تُحِط به خُبْراً)(کهف/۶۸) یعنی انسان چگونه می‌تواند بر چیزی که بدان علم ندارد، صبر کند؟ البته از نظر مفسران، مقصود خضر، اثبات بی‌صبری موسی به طور مطلق نیست زیرا موسی(ع) به صورت بالقوه توانایی بر شکیبا شدن را داشت که در غیر اینصورت، به چنین مأموریت خطیری، آن هم در آن اوضاع نابسامان بنی‌اسرائیل و ماجرای پیدایش سامری، فرستاده نمی‌شد. بلکه مقصود خضر این بود که چون از باطن کارهای او بی‌خبر است، نمی‌تواند صبر کند (طبرسی، ۱۳۷۹ش، ج۶، ص ۷۴۶). بنابراین مسأله باید پاسخ‌پذیر و حل آن برای شاگرد امکان پذیر باشد تا شاگرد با توجه به قابلیت‌های ذهنی خود، بتواند مسأله



www.SID.ir

Archive of SID





را با موفقیت حل کرده و به نتیجه لازم برسد. در غیر این‌صورت، شاگرد دلسرد شده و توان ادامه کلاس را در خود نمی‌بیند لذا فرآیند یادهی- یادگیری، متوقف می‌شود.

در خلال فرایند یادهی- یادگیری نیز، حضرت خضر(ع)، دو بار مسأله اولیه کلاس را بازگو کرد تا موسی، هدف تعلیم و برنامه اصلی خویش را فراموش ننماید: (قالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرا)(کهف/ ۷۲) و (قالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرا)(کهف/۷۵). بنابراین معلم باید در جریان فرآیند یادهی- یادگیری، در زمان‌های مناسب، سؤال اصلی کلاس را بازگو کند تا همچنان انگیزه شاگرد جهت پیگیری امر تدریس، باقی بماند.

-**تعیین شیوه ارزیابی آزمون:** یکی از الزامات معلمان در امر تدریس و در خلال فرآیند یادهی- یادگیری باید این باشد که قبل از شروع ترم تحصیلی، برای آگاهی و اطلاع شاگرد و نیز آشنایی با انتظارات معلم، نحوه ارزیابی و آزمون نهایی کلاس را مشخص نمایند. حضرت خضر(ع) در مرحله چهارم تدریس خویش، مفاد ارزیابی و نیز منابع امتحان را برای شاگردش بیان نمود و به او گفت: اگر می‌خواهی به دنبال من بیایی سکوت محض باش و از هیچ چیز سؤال مکن تا خود دلیل آن را برای تو بگویم: (فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلا تَسْئَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْراً)(کهف/ ۷۰). بدین ترتیب خضر با متمرکز نمودن امتحان نهایی کلاس خویش بر درس صبر، انتظارات خود را از شاگرد در طول دوره آموزشی (عدم سؤال)، بیان و با مشاهده علاقه و رغبت شاگرد، مسأله را به نحوی تنظیم و عرضه نمود که شوق و انگیره را در او افزون نماید تا یافتن راه حل آن، برای او، کاری آسان، برانگیزاننده و با ارزش تلقی شود.

www.SID.ir

Archive of SID



توجه به این بخش از داستان، در واقع به این امر اشاره می‌نماید که بر معلمان لازم است که از آغاز شروع به تعلیم، قرار کار خود را با شاگرد مقرر دارند و ضمن طرح مسأله مناسب و هماهنگ با قابلیت‌های ذهنی و جسمی شاگرد، از معرفی منابع امتحانی متعدد اجتناب نمایند. بدیهی است تمرکز بر روی یک موضوع خاص (منابع محدود) و در نهایت ارزیابی (دقیق) بر پایه آن، شاگرد را از تشتت خاطر و هدر رفتن انرژی‌های فکری و جسمی باز می‌دارد و ضمن حفظ انگیزه و شوق او، حل مسأله را برای او سهل و آسان می‌سازد. همچنین او را از اعتراض‌های نابجا باز می‌دارد.



- **طرح مثال مرتبط با موضوع برای تفهیم مسأله:** یکی دیگر از اصول اخلاقی به کارگرفته شده توسط خضر نبی، آن است که چون ممکن است شاگرد وی هنوز به خوبی متوجه سؤال و موضوع اصلی درس نشده یا در موضعی مبهم نسبت بدان قرار داشته باشد، لذا خضر، شاگرد خویش را در یک گردش علمی با خود همراه نمود تا با طرح مثال‌هایی، صورت سؤال را برای او تبیین نماید و به او بفهماند صبر در مجهولات و اطاعت در اموری که انسان دلیلش را نمی‌داند، چقدر سخت و مشکل است. بدین طریق ضمن درگیر نمودن شاگرد با موضوع درس و تثبیت مسأله در ذهن او، به طور عینی اهمیت و ضرورت یادگیری چنین موضوعی را به او تفهیم نمود. بنابراین یکی دیگر از الزامات حرفه تدریس و فرآیند یادهی- یادگیری، طرح مثال‌هایی مرتبط با موضوع برای تفهیم مسأله به شاگرد است.

www.SID.ir

Archive of SID





-**استفاده از مثال‌های عینی نه ذهنی:** امروزه کیفیت مثال برای تثبیت سؤال و درگیر نمودن شاگرد با موضوع تدریس، یک فن و تکنیک مهم در فرآیند یادهی- یادگیری تلقی می‌شود (شعبانی، ۱۳۸۵ش، ص۲۳۳). با تفحص در مثال‌های حضرت خضر می‌توان دریافت که این معلم الهی، بجای استفاده از مثال‌هایی ذهنی و فرضی، از مثال‌هایی عینی و تجربی استفاده برد تا آموزش رسمی از طریق دیدن (نه شنیدن) ضمن کسب اعتبار و اهمیت، با زندگی اجتماعی و حقیقی شاگردش نیز، ارتباط داشته باشد. در حقیقت از آن جا که موسی(ع) به دنبال رشد و قرار گرفتن در مسیر قرب الی‌الله بود لذا در همراهی با خضر، لوازم رسیدن را عبادت و انجام یکسری ریاضت‌های دینی همانند چله نشینی، تهجد، نماز، روزه و ... می‌دانست در حالی که خضر(ع)، او را به گردش علمی و کسب تجربه‌های عینی و قابل مشاهده دعوت نمود تا بدین طریق به او بفهماند تمامی رشد در عبادات فردی خلاصه نمی‌شود بلکه گاهی در بطن حوادث عینی و رؤیت وقایع بیرونی، آن هم نه از طریق مثال‌هایی ذهنی بلکه در پرتو تجربه عملی، رخ می‌دهد.

برای نیل بدین منظور، در مثال اول او را سوار بر کشتی نمود تا از نزدیک شاهد سوراخ کردن کشتی باشد (کهف/۷۱)، در مثال دوم در یک سفر زمینی، او را با خود همراه نمود که در نهایت نیز، منتهی به قتل آن کودک شد (کهف/۷۴) و در مثال سوم، همراه با موسی وارد شهری شد و علی‌رغم بی‌مهری مردمان آن شهر، به ساختن دیوار برای مردمان آن جا مبادرت ورزید (کهف/۷۷). بنابراین حضرت خضر(ع) از طریق سه مثال عینی و تجربی، که حتی ترتیب آن‌ها نیز، حساب شده بود، ضمن تفهیم سؤال برای موسی، به انتقال اطلاعات به او پرداخت و ذهن او را برای رسیدن به یک استنباط کلی آماده نمود.

www.SID.ir

Archive of SID



امروزه استفاده از این اصل حرفه‌ای، به دلیل تحمیل هزینه‌های سنگین و کاهش حوصله و صبر معلمان در پذیرش مسؤولیت‌های این‌گونه آموزش‌ها، تنها در برخی افراد و مؤسسات مشاهده می‌شود؛ در حالی که برای نیل به آموزش مؤثرتر، باید توجه بدین امر در میان برنامه‌های تدریس معلمان قرار گیرد.

-**ارزیابی در خلال تدریس**: گام بعدی در روش تعلیمی حضرت خضر(ع)، ارزشیابی از شاگرد در خلال فرایند درس است تا بتوان ضمن یادآوری مسأله اصلی کلاس، میزان توجه، آگاهی و هوشیاری او را در دریافت مطالب سنجید. بدین صورت که هرگاه متوجه غفلت شاگرد شد، با طرح مجدد سؤال اولیه کلاس، موضوع اصلی کلاس را به او یادآوری نمود (کهف/ ۷۳ و ۷۶) و با برخورد کریمانه خویش در مقابل سهل انگاری شاگرد، او را برای ادامه فرآیند تدریس ترغیب کرد.

بنابراین یکی دیگر از اصول اخلاق حرفه‌ای معلمان، ارزشیابی در خلال تدریس است تا شاگرد، موضوع اصلی کلاس را فراموش ننماید. همچنین در صورت غفلت و سهل‌انگاری او پیرامون این امر، بر معلم است که با رفتاری اخلاقمند و برخوردی کریمانه، او را متوجه ضعف و غفلت خویش نموده و بگونه‌ای رفتار ننماید که شاگرد از ادامه مسیر منصرف شده و نسبت به فرآیند تدریس دلسرد گردد.

-**عدم سخت‌گیری و رعایت اصول آسان‌گیری در امر تدریس**: یکی از ویژگی‌های معلمان الهی، عدم سخت‌گیری بر امت است. پیامبر بزرگوار اسلام(ص) می‌فرمایند: (إنّ اللّه تعالی لم یبعثني معنّتا و لا متعنّتا و لکن بعثني معلّما میسّرا)(پاینده، ۱۳۸۲ش.، ص۳۰۱). یعنی خداوند مرا اشکال‌گیر و اشکال‌تراش نفرستاده بلکه



www.SID.ir

Archive of SID



آموزگاری آسان‌گیر فرستاده تا (از دوش آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده بردارم: (يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلالَ)(اعراف/۱۵۹). خضر نبی نیز با این هدف و نیز توجه بدین امر که او از جانب خدایی مأمور به تعلیم شده که احکامش بر اساس آسانی و مطابق با طاقت انسان است (يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ)(بقره/۱۸۵)، در روند تعلیمی خویش، بنا را بر آسان‌گیری و عدم اشکال‌تراشی بر شاگرد گزارد و تنها در یک جمله کوتاه «قالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْراً»(کهف/۷۵)، با یادآوری عهد اولیه کلاس، خطای شاگرد را نادیده گرفت و پس از پذیرش اشتباه و عذرخواهی او، تعلیم و ارشاد را ادامه داد.

- **تعدد مثال‌های عمیق برای ماندگاری مطالب:** یکی از فنون در خلال فرآیند یادهی- یادگیریِ یک معلم خبره و کارآزموده، توانایی در ارائه مثال‌های متعدد است. تعدد مثال، امکان فراموشی موضوع درس را تا مدت زمان زیادی حتی تا پایان عمر، از ذهن شاگرد، کاهش می‌دهد. چنانکه خضر نبی(ع) برای تفهیم موضوع درس به موسی(ع) از سه مثال متعدد استفاده کرد که ضمن نو بودن و تفاوت داشتن با یکدیگر، هرکدام نسبت به قبلی عمیق‌تر و حاوی پیام‌های تربیتی بسیاری بودند. بنابراین استفاده از مثال‌های متعدد و عمیق، یکی دیگر از اصول اخلاقی حرفه تدریس است.

- **برعهده گرفتن موارد عملی تدریس توسط خود استاد:** گاهی برخی از معلمان در خلال تدریس خویش، از شاگردان برای انجام مراحل تدریس استفاده می‌کنند بدین معنا که از شاگرد می‌خواهند بجای او، فلان کار را انجام دهد درحالی که در خلال تدریس حضرت خضر(ع) مشاهده می‌شود که این آموزگار راستین الهی، در هر سه مثال خویش، خود مراحل انجام امور را در دست



www.SID.ir

Archive of SID



گرفته و شاگرد، تنها ناظر و حاضر بر عملکرد و رفتار استاد است. چنانچه در مثال اول، خود معلم، کشتی را سوراخ کرد (خَرَقَها قالَ أَخَرَقْتَها)(کهف/۷۱)، در مثال دوم، خود معلم، نوجوان را به قتل رسانید (فَقَتَلَهُ قالَ أَقَتَلْت)(کهف/۷۴) و سرانجام در مثال سوم، خود معلم دیوار خراب را بازسازی نمود (فَأَقامَه)(کهف/۷۷).

- **عبور دادن دانشجو از استاد (کنار رفتن استاد از صحنه)**: یکی دیگر از فنون اخلاقی در خلال فرآیند یادهی- یادگیری بر اساس روش تعلیمی حضرت خضر(ع) این است که زمانی که معلم، متوجه استعدادهای شاگرد شد و او را به رشد لازم خویش در حد وسع خود رساند، مانع رشد او نشده و با حذف خود از فرآیند تدریس، شاگرد را از خود عبور دهد تا شاگرد بتواند از اساتید بالاتر نیز استفاده کند. چنانچه خضر(ع)، زمانی که دید مقصود از تعلیم موسی، حاصل و سفرش منتهی به این سفر سوم شده و سیر موسی در مراتبی که برای انسان ممکن است کامل گشته یعنی بر حسب استعداد موسی، از آنچه که استحقاق داشت چیزی باقی نمانده است، اعلام زمان فراق نمود و فرمود: این جا، جای فراق بین من و تو است (کهف/ ۷۸). از نظر مفسران نیز، از این پس، نظر موسی بطور خالص به سوی خدا برگشت و از خضر بی‌نیاز شد و در جهت نقصش به کمال رسید و آن چه را که احتیاج به تعلّم داشت، آموخت (گنابادی، ۱۴۰۸ه.، ج۲، ص۴۷۷) به همین دلیل خضر گفت: (قالَ هذا فِراقُ بَيْنِي وَ بَيْنِك)(کهف/۷۸).

**واکاوی مثال در جهت حل مسأله**: یکی دیگر از فنون اخلاقی برگرفته از روش تعلیمی حضرت خضر(ع) در طی فرآیند یادهی- یادگیری، آن است که معلم پس از بیان مسأله و ایجاد چالش در مورد یک موضوع در ذهن شاگرد، خود در



www.SID.ir

Archive of SID





پایان فرآیند تدریس با پاسخگویی به آن، هرگونه ابهام و سؤالی را از ذهن شاگرد پاک کند. حتی در صورت لزوم، سؤالات شاگرد را نیز دقیقاً بررسی و ارتباط آن‌ها را با موضوع کلاس، تبیین نماید تا اگر لزومی داشته باشد برای ارائه دلایل تازه اقدام نماید چنانچه در کلاس درس حضرت خضر(ع) نیز، بعد از آن که فراق و جدایی استاد و شاگرد مسلم شد، لازم بود این استاد الهی به تحلیل و بررسی رفتارهای موسی و نیز اعتراضات او بپردازد. به همین دلیل با بیان اسرار کارهای خود، که موسی تاب تحمل آن‌ها را نداشت، به اصلاح افکار و فرضیات موجود در ذهن شاگرد پرداخت و ضمن بیان علت رفتارهای خود، به شبهات و چالش‌های ایجاد شده در ذهن شاگرد پاسخ داد.

در واقع بهره موسی(ع) از مصاحبت با حضرت خضر(ع) و حضور در کلاس او، فهم راز این سه مثال عجیب بود که می‌توانست کلیدی باشد برای مسائل بسیار و پاسخی برای پرسش‌های گوناگون او در سایر مراحل زندگی‌اش.

نخست از مثال کشتی شروع کرد: در این مثال عینی، در پشت چهره ظاهری و زننده سوراخ کردن کشتی، هدف مهمی که همان نجات از چنگال یک پادشاه غاصب بود، وجود داشت (طبرسی، ۱۳۷۲ش.، ج۶، ص ۷۵۳؛ گنابادی، ۱۴۰۸ه.، ج۲، ص ۴۷۶) و این، اشاره به لطف خفی الهی دارد که در بسیاری از مشکلات زندگی انسان نهفته است. در مثال دوم: آن مرد عالم، اقدام به کشتن نوجوان کرد و حادثه ناگواری را که در آینده برای پدر و مادر با ایمان او در فرض حیات او رخ می‌داد؛ دلیل آن گرفت (کهف/ ۸۱-۸۰) و از حکمت‌ها و مصالح الهی در حوادث تلخ زندگی برای موسی خبر داد (طباطبائی، ۱۴۱۷ه.، ج۱۳، ص ۳۴۸)(کهف/ ۸۲). در مثال سوم نیز، استاد، علت تعمیر دیوار را، نیاکان صالح این دو یتیم معرفی کرد که

www.SID.ir

Archive of SID



اراده الهی بر آن مقرر شده که بخشی از پاداش این اجداد صالح در همین دنیا، به ایشان اعطا گردد.

به طور کلی استاد، در جریان رشد دادن شاگرد خویش، با ذکر مثال‌هایی عینی و قرار گرفتن در بطن ماجرا به شاگرد خویش چنین تعلیم داد که هیچ گاه نباید براساس ظاهر قضایا قضاوت نمود و از همان ابتدا بدترین توجیه و تفسیر را برای این رنج ایجاد شده، بیان کرد.

بنابراین بر معلم است که در انتهای کلاس خویش، فرضیات شاگرد را دقیقاً بررسی نموده و به شبهات و چالش‌های ایجاد شده در ذهن شاگرد پاسخ دهد.

- **تعمیم موضوع کلاس به سایر موارد زندگی:** یکی دیگر از اصول اخلاق حرفه‌ای که برگرفته از فرایند تدریس حضرت خضر(ع) می‌باشد، آن است که این آموزگار راستین الهی با کمک دلایل پیشینی و پسینی[۳]، به نتیجه‌گیری و تعمیم موضوع کلاس در سایر موارد مشابه پرداخت تا شاگرد، خود بتواند با شناخت حاصله، آن را در حل مسائل مشابه زندگی خویش به کار گیرد.

به دیگر بیان پس از آن که این معلم راستین الهی با کمک مثال‌های خویش، ماهیت مسأله را شفاف و تک تک رفتارهای خویش را تحلیل نمود، در این مرحله، با توجه دادن شاگرد به دلایل پیشینی و پسینی، به شاگرد خویش، گوشزد می‌کند که تو گرچه از علوم باطنی، علم ولایت و اسرار غیب خبر نداشتی (دلایل پسینی) اما می‌بایست بدین امر توجه می‌نمودی که من از جانب خداوند، مأمور تعلیم تو شده‌ام و آنچه می‌کنم، از طرف اوست (دلایل پیشینی). بنابراین در هیچ یک، مطابق سلیقه و میل خود رفتار ننمودم (وَ ما فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي)(کهف/۸۲) و در تمامی اتفاقات، همواره مطیع فرمان و اوامر او بودم. تو نیز در تمامی مراحل



www.SID.ir

Archive of SID





زندگی، باید تسلیم اوامر و قضاهای الهی باشی هرچند علت بسیاری از آن‌ها را درک ننمایی.

بنابراین با حل مثال‌ها و اشاره به سبب حقیقی آن وقایع نه آنچه که موسی از ظاهر آن قضایا فهمیده بود (طباطبائی، ۱۴۱۷ه.، ج۱۳، ص۳۴۹)، به تدریج توجه شاگرد را از اراده خود به اراده خداوند معطوف می‌کند[۴] و لذا پاسخ سؤال ابتدایی کلاس که چگونه بر آنچه نمی‌دانی، صبر می‌کنی را این گونه می‌دهد که به کمک دلایل پیشینی، چون می‌دانم از طرف خدای حکیم است (مِن رَبّک) و قطعاً حکمتی دارد، بر آن صبر می‌کنم، ادراک نکردن راز حوادث عالم با عقل بشری نیز، به احسن بودن نظام جهان خدشه‌ای نمی‌زند و آدمی برای قرار گرفتن در مسیر رشد، لازم نیست تمامی موارد را بر پایه قوه عقل، ادراک کند و یا از طریق حواس آن‌ها را تجربه نماید (دلایل پسینی)، بلکه گاهی لازم است به مبدأ فاعلی برخی قضایا (مِن رَبّک) و نیز سبب فعلی آن (رَحمت الهی) توجه نموده و با سپردن خویش به معلمانی که با ملأ اعلی ارتباط عمیق علمی دارند، خود را از غار انانیّت خارج نماید.

بنابراین یک فرایند تدریس موفق، باید به نتیجه منتهی شود یعنی شاگرد باید بتواند مشکلی را که با آن مواجه می‌شود به نحوی قابل قبول برای خود حل کند و مفاهیم تازه‌ای را یاد بگیرد تا با کاربردی کردن موضوع، از آن در حل مسائل مشابه استفاده نماید.

## نتیجه‌گیری

آشنایی با اصول و فنون هر حرفه و متصف شدن به فضایل اخلاقی مختص آن، لازمه تصدی هر شغل و مقامی است مخصوصاً اگر آن حرفه، با انسان‌ها و

www.SID.ir

Archive of SID



تربیت آن‌ها ارتباط داشته باشد. قرآن کریم که خود را تبیانا لکل شیء (نحل/۸۹) معرفی می‌کند به امر تعلیم و تربیت بسیار اهمیت داده (علق/۵) و از میان اولیا و انبیای الهی، حضرت خضر(ع) را به عنوان الگویی جامع در حرفه تدریس معرفی کرده و با تعبیر عبد صالح در قرآن کریم از او یاد نموده است (کهف/۶۵). تأمل در نحوه تدریس ایشان و آشنایی با اصول اخلاق حرفه‌ای این آموزگار راستین الهی در جریان تعلیم یک نبی اولوالعزم، از مواردی است که حاوی نکات بسیار و ظرایف لطیفی است که تنها تعدادی از آن‌ها در میان برخی الگوهای ارائه شده توسط اندیشمندان علوم تربیتی یافت می‌شود. بنابراین می‌توان با توجه به روش تعلیمی این آموزگار الهی، به الزامات اخلاقی حرفه تدریس راه یافته و از آن جا الگویی جامع و اخلاقمند برای فرآیند تدریس استخراج نمود.

اما مهم‌ترین الزامات اخلاقی که در امر تدریس می‌بایست توسط معلمان و مربیان مورد توجه و اهمیت قرار گیرند، طبق الگوی معرفی شده توسط حضرت خضر(ع) قابل تنظیم در ۱۳ گام می‌باشند که به ترتیب عبارتند از:

نیازسنجی شاگرد، تعیین موضوع کلاس برای شاگرد، بازنمایی مشکل یا طرح مسأله، تعیین شیوه ارزیابی آزمون، طرح مثال مرتبط با موضوع برای تفهیم مسأله، استفاده از مثال‌های عینی نه ذهنی، ارزیابی در خلال تدریس، عدم سخت‌گیری و رعایت اصول آسان‌گیری در امر تدریس، تعدد مثال‌های عمیق برای ماندگاری مطالب، برعهده گرفتن موارد عملی تدریس توسط خود استاد، عبور دادن دانشجو از استاد (کنار رفتن استاد از صحنه)، استفاده مناسب از مثال در جهت حل مسأله، تعمیم موضوع کلاس در سایر مسائل مشابه و کاربردی نمودن آن.



www.SID.ir

Archive of SID



بنابراین استفاده از تعالیم وحیانی و بهره‌مندی از روش تعلیمی حضرت خضر(ع)، یکی از بهترین و کامل‌ترین منابع جهت تدوین منشور اخلاقی معلمان در امر تدریس است و می‌تواند به معلمان در برنامه‌ریزی آموزش و نیل به اهداف آموزش کمک بسیار مؤثری نماید و ضمن شکوفایی و بالندگی امر تدریس، بشر را در بعد معرفتی به تکامل معنوی خویش رهنمون سازد. امید است که این مقاله توانسته باشد گام کوچکی در این راستا بردارد.



www.SID.ir

Archive of SID





### پی‌نوشت‌ها

[۱]. برای مقایسه اخلاق کاربردی با سایر مطالعات حوزه اخلاق ر. ک: *فصلنامه معرفت اخلاقی*، مقاله «چیستی اخلاق کاربردی» احمدحسین شریفی شماره ۷، سال دوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۹۰، ص ۹۶-۸۳.

[۲]. برای مقایسه تعاریف گوناگون اخلاق حرفه‌ای ر. ک: *فصلنامه معرفت اخلاقی*، مقاله «اخلاق حرفه‌ای؛ ضرورتی برای سازمان» از علی نقی امیری و همکاران، سال اول، شماره ۴، پاییز ۱۳۸۹، ص۱۵۹-۱۳۷.

[۳]. در مباحث فلسفی، دو دسته دلایل وجود دارد: ۱- دلایل پیشینی، دلایلی هستند که نیازی به تجربه ندارد و منشأ آن ها «ذهن» یا «عقل» است. ۲- دلایل پسینی بر پایه مشاهده و تجربه حاصل می‌شود و آدمی از طریق مشاهده و تجربه حسی، به این نوع دلایل راه می‌یابد(خادمی، ۱۳۸۰ش.، ص۱۸).

[۴]. بدین معنا که در مثال اول کلاس خویش، سوراخ کردن کشتی را به خود نسبت می‌دهد. در مثال دوم، قتل غلام و نتیجه اعمال صالح پدر و مادر او را، به خداوند و خود نسبت داده و در نهایت، درست کردن دیوار را تنها به خداوند نسبت می‌دهد. بدین طریق آن قسمت از کارها را که خالی از نقص نبوده به خود نسبت داده: «فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا» و آنچه هم نقص است و هم کمال و انتسابش هم به خود و هم به خدا جائز بوده با صیغه متکلم مع الغیر تعبیر کرده: «فَأَرَدْنا أَنْ يُبْدِلَهُما رَبُّهُما» و یا «فخشینا» و آنچه که مربوط به ربوبیت و تدبیر خدای تعالی بوده و یکسره کمال است، به ساحت مقدس او اختصاص داده: «فَأَرادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغا أَشُدَّهُما» و بدین ترتیب ضمن رعایت ادبی زیبا نسبت به پروردگار خود (طباطبائی، ۱۴۱۷ه.، ج۱۳، ص۳۵۰) توجه شاگرد را از اراده خود به اراده خداوند معطوف و به او گوشزد می‌کند که نباید توجه به ظاهر هر یک از وقایع، او را از توجه به باطن آن‌ها باز دارد.

### فهرست منابع


فولادوند، محمد مهدی.(۱۴۱۵ه.). ترجمه قرآن. تهران: دارالقرآن‌الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی).

امیری و همکاران. علی نقی. (۱۳۸۹ش.). اخلاق حرفه‌ای؛ ضرورتی برای سازمان. فصلنامه معرفت اخلاقی، سال اول، ش ۴، ۱۳۷ تا ۱۵۹.

امین اصفهانی، نصرت. (۱۳۶۱ش.). مخزن العرفان فی تفسیر القران. قم: نهضت زنان مسلمان.

اسلامی، محمد تقی و همتی، محمد و مبینی، مهدی. (۱۳۸۷ش.). اخلاق کاربردی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

بحرانی، سید هاشم. (۱۳۷۸ش.). الإنصاف فی النص علی الأئمة (ع). چاپ دوم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲ش.). نهج الفصاحة مجموعه کلمات قصار حضرت رسول(ص). چاپ چهارم .تهران: دانش.

تقی پور ظهیر، علی. (۱۳۷۵ش.). مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی. چاپ نهم. تهران: نشرنیل.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹ش.). سیره پیامبران در قرآن. چاپ پنجم. قم: مرکز نشر اسراء.


www.SID.ir

Archive of SID






حسینی آبینه‌ئی، محمد رضا. (۱۳۸۹ش.). اخلاق حرفه‌ای در کتابداری و اطلاع رسانی: با تأکید بر وظایف و مسؤولیت‌ها. نشریه الکترونیکی شمسه. ش ۶. ۱۱ تا ۳۱.

خادمی، عین الله. (۱۳۸۰ش.). علیت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و فیلسوفان تجربه‌گرا. قم: بوستان کتاب.

خنیفر، حسین. (۱۳۸۵ش.). روش‌ها و فنون تدریس. چاپ سوم. قم: نشر هاجر.

دیوید، فرد آر. (۱۳۸۰ش.). مدیریت استراتژیک. (ترجمه پارسائیان و اعرابی). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

دیویس، آر،کی. (۱۳۷۳ش.). مدیریت یادگیری (بحثی در تکنولوژی آموزشی). (ترجمه داریوش نوروزی و محمدحسن امیرتیموری). شیراز: راهگشا.

سید رضی، محمد بن حسین بن موسی موسوی بغدادی. (۱۴۱۴ه.). نهج البلاغه. قم: هجرت.

شریفی، احمدحسین. (۱۳۹۰ش.). چیستی اخلاق کاربردی. فصلنامه *معرفت اخلاقی*. سال دوم. ش سوم.

----------.(۱۳۹۱ش.). آیین زندگی و اخلاق کاربردی. قم: دفتر نشر معارف.

شعبانی، حسن. (۱۳۸۵ش.). مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس). ج۱. چاپ بیستم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی(سمت).

صفوی، امان الله. (۱۳۷۶ش.). کلیات و روش‌های فنون تدریس. تهران: نشر منصور.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ه.). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۹ه.). مجمع البیان فی تفسیر القران. چاپ سوم. بیروت: احیاء الترث العربی.

طیب، سید عبد الحسین. (۱۳۷۸ه.). اطیب البیان. چاپ دوم. تهران: انتشارات اسلام.

عروسی حویزی، عبدالعلی. (۱۴۱۵ه.). تفسیرنورالثقلین. قم: اسماعیلیان.

فیض کاشانی، محسن.(بی تا). المحجة البیضاني تهذیب الاحیاء (تصحیح علی اکبر غفاری). قم: النشر الاسلامي.

قرائتی، محسن. (۱۳۸۳ش.). تفسیرنور. چاپ یازدهم. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قراملکی، احد فرامرز. (۱۳۸۵ش.). اخلاق حرفه‌ای. چاپ سوم. تهران: مجنون.

----------. (۱۳۸۳ش.). روش شناسی مسؤولیت پذیری در سازمان. اندیشه حوزه. ش ۴۹. ۲۱ تا ۴۵.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷ش.). تفسیر قمی. (تحقیق سید طیب موسوی جزایری). چاپ چهارم. قم: دار الکتاب.

کارگر شورکی، مصطفی. (۱۳۸۶ش.). حضرت خضر مونس یار(عج). چاپ پنجم. قم: مشهور.

گنابادی، سلطان محمد.(۱۴۰۸ه.). تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة. چاپ دوم.بیروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.

مجلسی، محمدتقی. (۱۴۰۳ه.). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: دارالرضا.

مرادی، قدرت الله. (۱۳۸۴ش.). خضر و موسی در فرهنگ اسلامی. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.


www.SID.ir

Archive of SID



میبدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد. (۱۳۷۱ه.). کشف الأسرار و عدة الأبرار. (تحقیق علی اصغر حکمت). چاپ پنجم. تهران: انتشارات امیر کبیر.

هس مر، ال. تی. (۱۳۷۷ش.). اخلاق در مدیریت. (ترجمه سید محمد اعرابی). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

**یادداشت شناسه مؤلفان**

**امیرحسین بانکی پورفرد:** استادیار دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

**زهرا محققیان:** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول).

نشانی الکترونیکی: z.mohaghegh89@yahoo.com



www.SID.ir

Archive of SID





**Professional ethics teaching model based on Hazrat Khidr (AS) in the Holy Quran**

*A H. Banky Purfard*

*Z. Mohagheghian*

**Abstract**

Professional Ethics is a subject that is very important, so that in most professions, including the teaching profession, as well as understanding the need and importance due to the high moral standing of the profession, professional ethics require charter their own.

In this regard, the present study sought to answer this question, recall that the Holy Qur'an (Nahl%89) you can conduct teachers' reflection on the divine, the divine pattern mining in the education and training Akhlaqmnd pay? The Ethics divine teacher, the teaching professions are the most important requirements and ethical obligations?

It can be used. The most important ethical principles include student assessment, using concrete examples, not subjective assessment during teaching, lack of rigor, and others. Considering each of these principles can help teachers teach very effective in achieving the goals, and humanity in their spiritual evolution then leads to knowledge.

**Keywords**

Professional ethics, teaching- learning process, teacher, student, Quran teaching.

www.SID.ir